



داکتر سید عبدالله کاظم

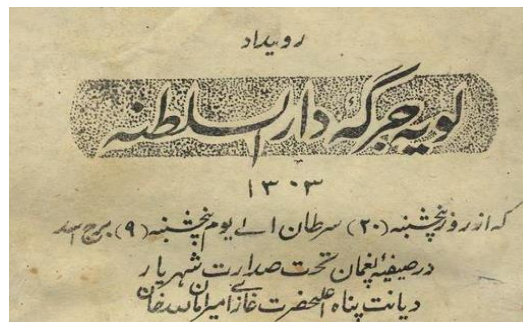
به همکاری: محمد ایاز نوری (آزادی) و نازک میر زهیر

23 آگست 2016

## "رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303"

(به تقریب نود و هفتمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان)

(قسمت دوازدهم)



د پانو شمیره: له 1 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

## مذاکرات روز دوشنبه (۳۰) سرطان

در این روز نیز آمد آمد اعضای محترم لویه جرگه پیشتر از ساعت موعوده آغاز و تماماً در تحت خیمه مزبوره مجموع و اخذ موقع نموده بودند ، ذات جهانبانی نیز پوره وقت موعوده حاضر شده بعد از وقفه دو دقیقه فرمودند:

**اعلیحضرت:** بنام خدا آغاز میکنم! دیروز مذاکرات ما در مواد بیرون نویس شده نظامنامه اساسی بود که اکثر آنها بحث بعمل آمد. آیا علاوه بر یادداشت و اباحت دیروزه دیگر کدام فقره را هم بیرون نویس کرده اید و بر کدام قاعده مذاکرات کردن را خواستارید؟ یانی؟

**فیض محمد وکیل:** اعلیحضرتا! باید جهت اخراج آن مذهبی که بعقیده خویش خود را مسلم پنداشته در حقیقت موجب نفاق افگنی در بین امت ناجیه (محمدی) میشوند، بماده (۱) در اخیر فقره دین افغانستان دین اسلام است مانند ایرانیها که در دستور اساسی خویش لفظ "شیعه" را افزوده اند، چیزی ایزاد کرده شود، بخیال من بهتر است.

**ملای ترکستانی:** یک حدیثی را از کتاب الفتن مشکوة شریف که در آن ذکر فرقه بندیها در اهل اسلام و خروج ادیان باطله و مسلکهای نامشروع در میان امت احمدیه و ظهور فتنه در بین مسلمانان و عدم اطاعت او الامر بود، قرائت و ترجمه کنان در اخیر اظهار داشت که باید ضرور بر تحدید مذهب حقه اسلام و عدم رواج دیگر مذاهب و ادیان تصریح کرده شود.

**مولوی فضل ربی:** یک بیانیه مطولی را ایراد کنان در آن بطالت و خرافات تمام مذاهب جدیده مخصوصاً قادیانی ذکر نموده و در ختم کلام خود را برین مسئله نموده که کتب اسلام قادیانی و امثال آن دیگر مذهبی را که مجدداً بغرض مزید تفرقه و جدائی عالم اسلام بمنصه شهود آمده اند، مسلمان نمی انگارد، حتی علمای اسلام ما چنین فیصله نموده اند قادیانی را که منکر ختم نبوت است، هرکس که مسلمان بگوید، آن شخص نیز کافر است، لهذا حاجت قید و ایزاد دیگر الفاظ برای اخراج جدید الظهور که کافرند، لزومی ندارد.

**وکیل:** ضرور باید تعیین مذهب شود که مذهب افغانستان مذهب حنفی که یک مذهب باشرف اسلامی است، میباشد.

**محمد بشیر:** اعلیحضرتا! اگر در نظامنامه اساسی جهت تشریح مذهب عمومی لفظ سنت و الجماعت تحریر شود، خوبتر خواهد بود.

**اعلیحضرت:** اگر در دستور اساسی خویش لفظ سنت و الجماعت را تحریر کنیم، آیا اینقدر شیعه را که بدولت ما میباشند، چه خواهیم گفت و بدانها کدام معامله و شیوه برادرانه را مرعی و معمول خواهیم داشت؟ ضرور یک نفاق ما بین خود ما تولید خواهد شد، از طرف دیگر شما بادولت ایران معاهده دوستانه و برادرانه کرده روابط محبت و وداد [دوستی] را مستحکم نموده اید و از جانب دیگر جهت اخراج آنها همچو الفاظ را تحریر مینمائید!

**یک ملا:** اگر در حاشیه آن تشریحات مذاهب کرده شود که مقصد از مذهب مذکوره متن، حنفی است، خوب خواهد بود تا رفع اشتباهات کرده شود.

**اعلیحضرت :** ما در عموم نظامات خویش تشریحات و توضیحات را در حواشی منع داشته ایم، زیرا اگر حکومت بر هر ماده تشریحات را در حاشیه بنویسد، پس اینطریقه کسب عمومیت کرده بهر لفظ و هر فقره توضیحاتی را از خیال خود خواهد نوشت.

**یک ملای سرحدی:** اعلیحضرتا! تفریق مذهب افغانستان در دستور اساسی از حد ضروریست و مخصوصاً در همچو یکموقع که بنا بر تحریک دشمنان افغانستان عده از قادیانی ها بطور افتراء و بهتان حامی مسلک خویش مردم افغانستان را مشتھر نموده اند، ضرور باید جهت انسداد دیگر مذاهب باطله لفظ اهل "السنت و الجماعه" مرقوم و مضبوط گردد.

**اعلیحضرت:** بخیال خودم باید چنین لفظی در اینجا تحریر شود که مذاهب قدیمه که در افغانستان موجود اند، مانند شیعه ها آنها نیز تحت تامین بیابند و دیگر مذاهب جدید الخروج نیز از میان بر داشته شود و تبلیغ و اشاعت آن در مملکت مان مسدود باشد.

**ملا عبدالواسع:** بر پا خاسته یک بیانیه مطولی را در اختلافات غیرمهم و فروعیات که همواره در بین عوام موجب گفت و شنید تمام است، ایراد کنان در نتیجه گفت باید همه اسلام بکوشند تا در اصول با هم متفق باشند. در مسائل فرعی هیچ لازم نیست که باهم بیچند. برای تائید این دلیل آن قصه حضرت عمر رضی الله عنه را قرائت یک آیتی که مردی بیک لهجه دیگر میخواند، بر آشفته بود، حضرت عمر و آن قاری این مسئله را بحضور نبوی مرافعه کردند، و هر دوی شان در نتیجه حق بجانب بر آمده آنحضرت [انزلت القران علی سبعة احرف .....] را ایراد داشته تخاصم و مشاجره را از میان برداشت. بعداً [ملا عبدالواسع] در (۷۲) فرقه اسلامیة یک بحث طولانی را ایراد داشته موجبات وضع چهار مذهب حقه را در سنه (۴۰۰) هجری بیان کرده گفت کسیکه مذهب پنجمی را در اسلام بنا گذارد، لعنت خدا بر او باد و در آخر گفت علمای را که اعلیحضرت در لویه جرگه جهت تدقیق و تحقیق نظامات خواسته اند، بدینغرض است که باید نظامات طوری جامع و مانع باشند که عموم مذاهب اسلامیة را دربر بگیرد و دیگر مذاهب باطله از میان برداشته شود. خیال شخصی خودم نیز همین است که باید بقرار گفته عموم علماء، مذهب حنفیه که پاکترین و بهترین مذاهب اسلامیة است، در تشریح دین اسلام افغانستان ایزاد کرده شود.

**پادشاه گلجان:** عرضیکه بحضور حاضرین دارم، اینست که باید اباحت را اینقدر طولانی نفرمایند و از موضوع خارج نشوند و الا مذاکرات ما به بسیار طوالت می انجامد، بحث اینقدر است که الفاظ موجوده درست است و یا چیزی برآن ایزاد کردن میخواهد، اگر چیزی می افزائید، پس کدام لفظ بهتر است؟

**اعلیحضرت :** خودم علی العموم احساسات جرگه را مطلع شده از طرف عموم وکالتاً عرض میدارم اگر پسند خاطر تان افتد ( فنعلم المطلوب ) و الی باز میدان مباحثه و مذاکره برایتان حاضر است. در نظامنامه اساسی بنویسد که دین افغانستان دین اسلام و مذهب رسمی آن مذهب حنفی است و در نظامنامه جزای عمومی برای ادیان باطله که نو ظهور کند و در افغانستان خیال تبلیغ و اشاعت مسلک خود را بنماید، مجازاتی را برطبق شریعت مقرر و معین دارید.

**لویه جرگه:** علی العموم از این فیصله اسلامیة کارانه ذات شاهانه چندان اظهار خرمی و شادمانی نمودند که در تمام شان یک غلغله و ولوله دعاگوئی اعلیحضرت غازی و تحسین و آفرین برپا شده و با آواز های تکبیر و تهلیل این مبحث را نیز خاتمه دادند و عموم برین نظر همایونی اظهار بشاشت کرده گفتند که همچنین در نظامنامه اساسی و جزای عمومی ایزاداتی بعمل آید.

**یک ملای قندهاری:** برآن ماده که در موضوع آزادی تدریس است، اعتراض کرد که خواندن تفسیر و حدیث و غیره علوم دینیّه گفته میشود که ممنوع است.

**علیحضرت:** بیک وضعیت استعجاب و استنکار بطرف ملا صاحب توجه کنان فرمودند که کجا؟ و کی؟ من ابدأ این چنین نگفته ام و نه در نظامات دولتی برین موضوع چیزی تحریر شده است.

**لویه جرگه:** تماماً اظهار خوشی کردند و گفتند که ابدأ اینچنین حکم از طرف زعمای مملکت برای عموم نرسیده است، چنانچه الان کماکان تمام نقاط افغانستان سلسله درس فقهیه و حدیث و تفسیر و دیگر علوم دینیّه جاری است. اینهم از پروپاگند و تبلیغات دشمنان افغانستان است که میخواهند در بین ملت و مملکت جدائی بيفکنند.

**ملای هراتی:** در ماده که ذکر مجازات است گفت باید مجازات برطبق مقررات شرعی باشد و این لفظ را ضروری در اینجا ایزاد نمائید.

**علیحضرت:** درست گفتید باید در این جا همچنین نوشته شود که برای احدی این چنین جزاء داده نمیشود که خلاف مقررات شریعت که عیناً در نظامنامه جزای عمومی و جزای عسکری مسطور است، باشد.

**مولوی محمد حسین:** {برماده که در آن ذکر موقوفی شکنجه و انواع تعذیبات است بعرض رسانید} بعد از خلافت راشد خلیج مفارقت در بین سلاطین و علمای کرام اینجهت حائل و نائل شده رفت که بر اعلام کلمه حق بدون تحقیق شرعی و بمحض افترای مغرضانه بلا تثبیت قانونی اولیای عظام مأخوذ و محبوس کرده میشدند.

چون در حضور و غیاب شاهان کلمات طیبیه صدق و تلطیف خلق گفته نمیتوانستند، لاجرم افراد راسخ الاعتقاد امت از امور سلطنت کناره کشیده بغض و عداون پادشاهان را در دل می پروراندند. اینچنین امثله بسیار است که علما و فضلا خدمت شاهان را حتی نان شان را حرام پنداشته در عزلت ماندند و اکثر شان در گوشه سجن [زندان] افتادند. بعد از تقریب سیزده صد سال آن حقوق ملت را که سلاطین مستبد از اختیارات خاصه خود می شمردند، علیحضرت غازی برضا و رغبت خود بلا جبر و اکراه واپس اعطا فرمودند.

حقوق رعایا با احسان ادا کرد د گر بهر حال باختیار است

[بیت دوم در چاپ مغشوش است و لذا سکتّه معلوم میشود]

یعنی در نظامنامه اساسی اعلان فرمودند که هیچکس بدون تحقیق شرعی خلاف نظامنامه مقننه دولت توقیف و محبوس نمیشود.

از تاریخ مقدس اسلامی بر گشته، یک نظر سوی یورپ بیدازید، چه می بیند؟ یک طرف پادشاهان افراد مخالف را ولو خیر خواه دولت باشند، بزعم خود مخاصم انگاشته بندی کرده میروند، و دیگر جانب ذوات حر، آزادی طلبیده جمعیت ها تشکیل کرده میروند که باعث کشت و خون ملت بتعداد ملیونها نفوس می گردد. در ملک انگلیسها بکنار دریای تمیز [تایمز] سرداران قوم بحضور پادشاه خود عریضه پیش می کنند که در آن همین فقره مندرج بود که هیچکس بدون تحقیق قانونی توقیف شده نمیتواند. پادشاه تاج خود را در پای شان می افکند که این نزد من باقی مانده بود، اینرا هم بگیرید. الغرض تا دیگر لکها نفر مظلوم و مقتول نمی گردند، پادشاهان از این اختیار و استبداد خود نمیگذرند. چقدر جای شکر و

د پانو شمیره: له 4 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

امتنان است که اعلیحضرت غازی همان اختیارات را که شاهان بجان نگاهداشتند، مفت و رایگان عنایت فرمودند و همان حقوق را که از شریعت به اولی الامر حاصل بود، کافی و مقنع دانستند.

پابندی و پاس شریعت که اعلیحضرت میفرمایند، از یک واقعه دیگر ثبت میشود که آنرا بسبب اطلاع حضار بطور مثال بیان میکنم. در افغانستان پنچاتها (محل و یا محکمه فیصله دعاوی تجارتي) از وقتهای قدیم مروج بوده همه دعاوی را فیصله می کردند و معامله و منازعه بمحکمه شرعی رجوع کرده نمیشد. سوداگر در وهی خود هر چیزیکه می نوشت، اگر چه رقم به هزارها بالغ می بود، نزد پنچات مقبول بود و هیچ شاهد و سند دیگر خواسته نمیشد یعنی بلا تشبیه وهی نبود وحی بود که متصف به کذب شده نمی توانست. اگر یکی از فریقین مسلمان بود، باز هم از محکمه پنچات به شریعت برخ نمی آوردند، باوجود مصارف لکها روپیه که بر پنچات میشد. اینها علی الرغم شریعت محمدی قایم بودند، تا اعلحضرت غازی بیهوده گی و لغویت این موسسه را محسوس کرده یکقلم از قلمرو خود را الغا فرمودند و حسب امر الهی (شهیدین من رجالکم را اقسط عندالله) دانسته ترمیم در اندراجات و هی نمودند.

دیگر مثال اینست که از صد ها سال در قرآن مجید قرائت میشد (انماالمومنین اخوة فاصلحو بین اخویکم) و ذهن کسی منتقل نشد از اصلاحات انفرادی گذشته از روی قوانین حکومت در میان مردم مصالحه کرده شود. در ممالک اسلامی بعضی مسلمانان مصلح بودند که فرداً فرداً از مساعی خود در بین مسلمانان اتفاق و اتحاد انداختند و از نفاق و عناد باز شان داشتند اما از جانب حکومت تشبثی نشد که فیمابین افراد رعایا دشمنی و اکراه را دور کرده، وداد و الفت جاگزین نموده شود. این دماغ عالی و طبع سلیم اعلیحضرت غازی بود که بر ملت سراسر رفاهیت شد. مراد از محکمه های اصلاحیه است که از نیت خیر خواهانه شاهانه در افغانستان فقط در عهد اعلیحضرت غازی تاسیس یافته موجب آن مصالحت گشته است که باعث ترقی مییاشد و دافع آن مخاصمت شده است که منجر به تباهی ملت میگردد. دیگر مثال های امتثال شریعت غرا مثل مجلس مشورت بسیار است، اما باز رجوع میکنیم بماده قانون اساسی که از روی آن احدی بدون تحقیق شرعی بندی نمیشود، مقایسه زمان سابق بنمائید. باوجود امرایزدی (لاتزرو وازرة وزر اخری) محمد ایوبخان رئیس محکمه اصلاحیه جیل السراج با این سبب بندی میشود که برادرش باتهام گناهی بندی شده بود. من هم در آن بهتان محبوس بودم (اگر قانون اساسی میبود، من و پنچ برادرش یازده سال در قبر احیا نمی ماندیم) زیرا بار گران زنجیر ها بی محابا از خواب بر خواسته بر خواند.

بندی را بس بود زولانه — این همه زنجیر در زنجیر چیست

جوابش چه شرین خواندگی کرد که در عهد معدلت و رأفت مهد اعلیحضرت غازی زولانه فقط در یکپای انداخته میشود.

**پادشاه گلجان:** بر ماده که در آن ذکر شورای دولت و مجلس وزراء است، اعتراض کنان گفت که باید در این مجلس علماء نیز حاضر باشند تا پاس و مراعات مسائل اسلامی و مقررات کتب دینی را ملاحظ کنان چیزهایرا که برای مسلمانان موجب ترقیست، زیر نظر گرفته بحث نمایند.

**اعلیحضرت:** آقا اینطور نیست که وزراء ما جاهل اند و یا از احکام دینی خویش غافل، البته هر وزیر و هر عضوی مجلس مشوره تایک درجه عالم است که بر خلاف مقررات شرعی کار نکند و علاوه بر آن جناب حضرات صاحبان شور بازار کابل نیز یکی از اعضای مجلس عالی وزراء میباشند، این

سؤال‌یست که باید شما از آنها بکنید که چرا اوشان منتظماً در مجلس عالی وزراء حاضر نمیشوند و حصه نمیگیرند.

**مولوی کامه :** اعلیحضرتا! طوریکه دیگر مامورین در صله حس خدمات و کارروائیهای درست ترقی ترفیع می یابند، چرا وکلا مجالس مشوره و علاقاریها و حکومت های سه گانه و حکومت های کلان و اعلی و نائب الحکومه گیها در صورتیکه در حسن خدمات خویش نامی نیک را حاصل کنند علی حسب المراتب بمقامات عالییه حسب الترتیب ترقی نمی کنند، بایستی قانونیکه در صورت حسن خدمت و ابراز لیاقت و فعالیت و کلاء ، یک وکیل از علاقه داری تا بمجلس عمومی شورای دولت ترقی کرده بتواند، وضع شود و نیز در مجالس مشوره تا حینیکه علماء و فضلاء، دستیاب شود، دیگری را وکیل منتخب نمایند.

**اعلیحضرت :** ملا صاحب! انتخاب و کلاء کار ملت است، ملت اختیار دارد که ملا باشد یا فقیر، یا یک شخص عامی بالاخره هر شخص را که ملت برآن مطمئن باشد و بداند که بدون از خیر ما دیگر چیزها نمی سنجد، وکیل مقرر کند. حکومت را در مسئله انتخاب هیچ حق مداخله نیست بلکه هر فردی را که ملت منتخب کند عام از اینکه سید باشد، ملا و دلاک باشد، یا جولا ، حکومت بنظر احترام بسوی او نگرسته او را حق شمولیت مجلس و اعطای رأی را اعطا میفرماید و اینرا هم باید ضمناً بگویم که در سید، ملا، فاضل، عالم، سردار، خوانین و اعزه ضرور بد کردار و بد هنجار و بد سلوک پیدا میشود، لکن وکلاء که یک جمع [جم] غفیری از ملت تصدیق راستی و خوبی و صفای او را میکند و او را بر مقدرات آتیه خویش و کیل و بر پیش آمد های مهمه خود کفیل مقرر میدارند، گاهی بد شده نمی توانند و اینکه فرمودید باید وکلا بواسطه حکومت ترقی بکنند بالکل غلط. زیرا وکیلی که به ترقی تا مجلس شورای عمومی نظر خود را دوخته باشد، حتمی و ضرور نیست که بدون از اشارات و هدایات علاقه داریها و حکام که آنها را ذریعه ترقی خود میداند، کاری نمیکند و مفاد ملت را بزیر پای انداخته و فائده خود را در نظر میگیرد و بمقابل همه گونه فرمائشات جائز و نا جائز زمام داران، اگر چه بضرر ملت باشد، سر تسلیم را خم می کند که در نتیجه حق تلفی ملت من شود و من ابداً نمیخواهم که حقوق یکی از تبعه افغانی بنا بر اغراض شخصی سلب و نابود گردد و خدا نخواستہ خواری برای ملت عائد آید. آیا وکیلی که بحکام امیدی داشته باشد و به ایما و اشاره شان کار کند، باز حق خواهد گفت و حق ملت را نخواهد ماند که تلف شود؟ فقط ترقی یک وکیل وابسته بحسن خدمات و منفعت جوی اوست برای ملت که ملت او را مکرراً باز وکیل انتخاب کرده حتی اگر فائده بسیاری دیدند، شک نیست که بدون سلسله مراتب دفعاً او را به عضویت شورای دولت ارسال دارند.

این را هم باید ناگفته نگذاریم که در میان ملت هم حق انتخاب را بیشتر از دیگران کسی دارد که برای دولت محصول و یا مایه و یا حق گمرکی و یا محصول مواشی را میدهد و یا شخصاً بحکومت خدمات مینماید، زیرا که آنها در منفعت و مضرت حکومت خود را شریک میدانند.

**لویه جرگه :** بکمال سرور و شادمانی این نظریه قیمتدار شهریار را قبول کنان این مبحث بکمال مسرت و کف زدنهای خرمی خاتمه یافت.

**اعلیحضرت:** در ماده بودجه فرمودند : - بودجه را آیا میدانید که چیست؟ بودجه یعنی تعیین دخل و خرج یک مملکت که بدانند چقدر دخل دارم و بکدام اندازه مخارج، این یکی از ضروریات دولت است، چرا تا که حکومت دخل خود را نداند، خرج از کدام رهگذر کرده میتواند. در افغانستان در زمان اعلیحضرت امیر شیرعلی خان سنجیدند تا معلوم کنند که خرج از دخل اضافه نباشند، موفق نشدند و هم در وقت

ضیاء‌الملت والدین بسیار کوششها کردند تا حکومت دخل و خرج خود را بدانند به بسیار زحمات و تکلیف یکطرزی را اختراع کردند که آنرا (خلاصه نویسی) می‌گفتند. باینقدر کوششها و سعی های شان چون در همه ولایات اوراق آنرا روانه نمودند، تنها از یک (هرات) دخل و خرجش رسید، باقی جایها نتوانستند که خلاصه را میساختند. من عاجز کوششهای کردم شب ها و روز ها کار کردم تا این بودجه را ترتیب دادم و الحمد لله که بمقصد خود کامیاب گردیده فخرانه حال از آن به بسیار سهولت و آسانی کار میگیریم. فائده اش این است که در سابق هر کس در خانه خود نشسته و یا در دیگر کارها مشغولیت میداشت و از دولت مفت و رایگان بهزارها روپیه در سال بخانه اش میرفت که یک پیسه آنرا ملت بیچاره به بسیار زحمات و بعرق ریزی پیشانی خود جمع میکردند و بدولت تحویل مینمودند. هزار افسوس که آن ظالم خودش نمی گفت که آیا چه خدمت بدولت مینمایم که این پیسه را در مقابل آن حق الزحمه خود میگیرم. حال بودجه اجازه نمی دهد که باحدی یک پیسه را بی آنکه یک خدمت برای دولت و ملت کند، داده شود. اگر کسی حال در باب بودجه گفت و گوی داشته باشد، چنانچه قبلاً یکی از شما گفته بود در این فرصت بخیالم موزون نخواهد بود چرا ما بودجه را از سرسال ابتداء ماه حمل (۱۳۰۲) ترتیب داده ایم و در آن زمان همین وکلاء شما و وزراء حاضر بوده و بعد از تصویب آنها امضاء نمودم و حال میانه سال است چیزیرا که در آن کرده ایم تبدیل و تغیر نمی شود. با اینهم اگر کسی در این موضوع خواهش مباحثه را داشته باشد، بعد از اینکه معلومات کافی را در آن موضوع بدست بیاورد، در ابتداء سال آینده حاضر هستم که باو مباحثه نموده شبهه شانرا رفع نمائیم.

**لویه جرگه :** اعلیحضرتا! چیزهائیکه از زمان سلطنت شما برای ما ملت رسیده همه آن باعث بهبود ما رعایا میباشد، خصوصاً بودجه که یک کار بسیار عالی و یک تدبیر خیلی گرامی میباشد. آنرا ما رعایا بنظر تقدیر دیده شکرانه خداوند و امتنان ذات جهانبانی را ادا میسازیم. {بعد از ختم مذاکرات اساسی [اعلیحضرت] فرمودند: ب.د.}

**اعلیحضرت:** خدای را شکر میگویم که قواعد و اساس هائیرا که در این مدت پنجسال به بسیار زحمت و عرق ریزی ترتیب نموده بودیم، تا یکدرجه بفکر شما ملت رسید. اگر قدری بنظر انصاف ببینید حکومت شما در هیچ امری بمضرات شما و خلاف شرع شریف رفتار نکرده است و بعد از این هم نخواهد کرد و بغیر از راه دین اسلام به هیچ یکره نرفته و نخواهد رفت. خدا شاهد است که همیشه حکومت شما و من عاجز پابندی دین اسلام را داشته و آرزومندم که آخرین قطرات خون خود را در راه اعلائی کلمه الله و خدمت اسلام بریزانم.

**ملا صاحب بولان:** ذکر آن مجلس علماء را که در زمان سلطان محمود از طرف حکومت منعقد شده بود، ایراد داشته این رأی و مشوره خواهی اعلیحضرت غازی را از علمای ممالک افغانی مطابق بشریعت غرای احمدی گفته در خاتمه توجه مزید علماء را بسوی حق گوئی و حق بینی و تقدیر خدمات فوق العاده اعلیحضرت غازی نموده بدعای طوالت عمر و مزید موفقیت همایونی در خدمات افغانی ختم مقالش را نمود.

**مولوی محمد حسین خان رئیس:** نطق مفصلی را به تائید ملاصاحب بولان ایراد نموده اند که مطالب اجمالی آن اینست:

این زمان زمانیه است که روشن کننده دین اسلام است. اینوقت و قتیست که اعلیحضرت ما احیای سنت نبویه و احکامات و اوامرات حضرت پیغمبر ما را (ص) نموده اند. اگر در تاریخ اسلام نظر کرده شود، اولین پادشاهی که به ترویج دین اسلام راه نموده، اعلیحضرت غازی ماست.

اعلیحضرت پادشاه مهربان ماست که قرار آیه شریفه (لولا من کل نضرا لایه) عمل کرده عموم ملت خود را در یکجا جهت اخذ معلومات و استماع نصایح و گذارشات خواسته اند و آنها را بخوبی از حقایق دانانده و افس برای هدایت و رهنمای و تنویر افکار عموم ارسال میفرمایند تا آنها در آنجا رفته بعضی چیزهای خوب و مفید را بصورت اصلی مابین ملت خود تفصیل و ترویج بدهند.

ذات شاهانه همیشه ما ملت را براه راست اسلام معرفی کرده از راه غلط منع میکنند.

**اعلیحضرت :** لطف خداست که از یک پایه اساسی خلاص شدیم و باز بدربار خالق بی نیاز خود هزار ها شکرانه مگویم که همه ما بیک خیال و بیک فکر بوده مابین هیچکدام یک مخالفتی پیدا نشد و درین دونیم روز هر کار ما به بسیار خوشی و خوشوقتی انجام یافت. این مجلس که در افغانستان منعقد گردیده، بخیالم به این اسلوب خوب و طریق مرغوب به هیچ یک دول عالم انعقاد نیافته که همه شان بیک فکر و بیک رأی بوده کار از اتفاق بگیرند. بسیار جای شکر است حال بدیگر کار های خود شروع نمائیم، چرا هر قدر زود تر تمام شود فائده اش بیشتر است.

نظامنامه تشکیلات اساسی و ملکی بخیالم چندان اشکال ندارد که در این مجلس خوانده شود، چرا در آن توضیح یافته که افغانستان چقدر وزیر و وزارت دارد و دوائر وزارت چند است و کدام کار بکدام ماموریت تعلق دارد و فلان جا بکدام نایب الحکومگی مربوط است. اگر خواننده شود روز ها خواهد گذشت و از مقصد خیلی دور خواهیم ماند. بنا برین سبب اگر خواهش دارید یک جلد برای هر کدام شما داده میشود که در خانه های خود ملاحظه نمائید تا از تشکیلات حکومتی خود مطلع گردیده هر کدام بدانید که قریه من مربوط بکدام حکومت میباشد. به خیالم اینطور بهتر است از آنکه روزهای خود را در آن صرف کنیم.

**عموم :** بلی ! بلی ! این خیال اعلیحضرت ما نهایت خوب و بسیار درست است. حقیقتاً اگر درین مجلس خوانده شود، روزهای بسیار قرار فرموده اعلیحضرت بغیر حق خواهد گذشت.

**اعلیحضرت :** باقی میماند نظامنامه جزای عمومی و جزای عسکری، این مسئله ایست که در آن علماء بحث و مذاکره کنند، چرا که بغیر از علمای ما فکر دیگران به مسائل نمیرسد، حالا اگر فقره بفقره خوانده شود و در مجلس بحث و مذاکره شود، باید کم از کم ششماه در کابل معطل بمانید تا این مسائل تمام شود. در آخر مجلس نظامات مبحث فیه برای شما داده میشود که در جایهای خود رفته آنها را مطالعه کنید و در فقره که بحث داشته باشید، فردا یا پس فردا مذاکره کنید.

باقیمانده معاملات عروسی و مراسم تعزیه داری که هر دوی آنها تعلق بشریعت دارد و هم سیاست، بایستی در ماده اش بحث و مذاکره نموده شود تا آنچه خیر و بهبودی ملت و امر و راه شریعت باشد گفته شود. اگر چه خداوند واحد و شاهد است که در نظامنامه این خادم ملت و علمای اعلام و وزراء تان خون جگر ها خورده ایم و شبها بیدار خوابی کشیده ایم و زحمات را بر خود گرفته ایم و آنچه های را که آسایش و آسوده گی ملت در آن بوده است، فراهم آورده ایم، تا رسیدن دیگر نظامات دولت شروع و بحث در نظامنامه نکاح میکنیم.

(ادامه در قسمت سیزدهم)

د پانو شمیره: له 8 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنې دلیکنې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ



---

د پاڼو شميره: له 9 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ